

# حضرت ابراهیم از بابل تا مکه

مسعود عباسی جامد

و صلوات الله علیهم اجمعین

\* پیش از این، از تولد حضرت ابراهیم علیه السلام و مهاجرت او (به سوی کوفه، کربلا، بیت المقدس و ...) سخن به میان رفت، حال؛ ایشان به همراه خانواده اش به سرزمین حجاز (مکه) رسیدند:

## ﴿۱﴾ اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در مکه:

«ربنا انی اسکت من ذریتی بواد غیر ذی رزق عند ینک المحرم ربنا»

لقیموا الصلاه...» (۱)

«پروردگارا؛ من ذریه ام را در صحرای بدون کشت در کنار بیت الحرام سکونت دادم، تا نماز بپا دارند...»  
حضرت ابراهیم علیه السلام که از شهر پر نعمت و پر زرق و برق و بت پرست اوربابل به سوی خدا مهاجرت کرده بود، آرزو داشت که ذریه و فرزندان او را دور از مظاهر فریبنده ی ماده پرستان، در صحرای طبیعت در کنار بیت الله الحرام اسکان دهد، باشد که فرزندان صالح گردند و به جای دنباله روی شیطان و شرک و بت پرستی، خدا را عبادت کنند و نماز را به پا دارند.

در تورات نیز ابراهیم علیه السلام به پروردگار عرضه می دارد که ایکاش اسماعیل در حضور تو زیست کند؛ و خداوند دعایش را اجابت می کند. (۲)

**۳۴) راز اسکان ذریه ابراهیم علیه السلام در وادی بی کشت و زرع:**

حضرت علی علیه السلام راجع به راز قرار گرفتن ذریه ابراهیم علیه السلام و خانه ی خدا در وادی غیر قابل کشت و دعوت مردم به آن می فرمایند: «اگر خدا اراده می فرمود که خانه ی خود را در میان باغ ها و نهرها و زمین های هموار قرار دهد، ارزش جزا را بر حسب کوچکی آزمایش بلاء، نا چیز می گردانید. اما خداوند بسند گانش را با انواع سختی ها می آزماید و به رویدادهای ناخوش مبتلا می فرماید تا کبر و خود ستایی از دل هایش بیرون رود و فروتنی در جانش مان جایگزین گردد، تا با این آزمایش ها، درهای گشاده به سوی فضل و احسان الهی ایجاد کند و اسباب بخشایش برایشان فراهم آورد.» (۳)

با توجه به اسرار و حکمت ها می توان دریافت که چرا ابراهیم خلیل علیه السلام نزدیک ترین دوست خدا از سرزمین متمدن و سرسبز و خرم اوربابل چشم می پوشد و ذریه خود را به چنین بیابانی خشک می آورد و در کنار خانه ی خدا جای می دهد تا با اقامه ی نماز به خدا متصل و مربوط شوند.

\* فخر رازی، رابطه ی نماز را با وادی غیر ذی زرع در چندین دلیل ذکر می کند:

- ۱- تا خداوند بدین وسیله امید ساکنان صحرا و اهل حرم را غیر از خود قطع کند و در نتیجه توکل و اتکانشان تنها به خدا باشد.
- ۲- و اهل دنیا و طاغوت ها و تن آسایان در این سرزمین پای نگیرند و مکه همواره از وجود آنها پاک باشد.
- ۳- و تجار، تجارت را هدف و مقصد اساسی خود قرار ندهند و هدفشان عبادت و بندگی و خدمت به زائران خانه ی خدا باشد.
- ۴- و استعمارگران و کشور گشایان به طمع ثروت ها و ذخائرش آن را مورد حمله و تاخت و تاز قرار ندهند. «رب اجعل هذا البلد آمنا...» (۴)

۵- و بدین وسیله شرافت و افتخار فقر آشکار شود چرا که خداوند خانه ی خود را که اولین و بهترین خانه هاست در فقیرترین و بی بهره ترین منطقه ی دنیا قرار داده است. و فقرا، هم در دنیا از خانه ی امن



۲. تورات / سفر بیدایش / سوره ۲۱ / آیات ۱۲-۲۰.  
 ۳. نهج البلاغه حضرت علی علیه السلام / خطبه ۳۹  
 ۴. ابراهیم (ع) / ۳۵.

برخوردارند و هم در آخرت.

۶- همان طور که خداوند کعبه اش را در جایی قرار داده که خالی از تمام زرق و برق های دنیا است، کعبه معرفتش را نیز تنها در قلب انسان هایی قرار می دهد که خالی از محبت دنیا باشند. (۵)

\* البته علی رغم همه ی کمبودها، خداوند در خانه اش نه تنها با غذاهای معنوی بلکه با غذاهای مادی نیز از دوستان و میهمانانش پذیرایی می کند و تشنگی و گرسنگی و کمبودهای بیابان، مقدمه ی لذت و راحتی است إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ سُرًا (مسلماً راحتی ها با سختی هاست). (۶) و به گفته ی مولوی در مثنوی:

آب کم جو، تشنگی آور به دست

تا بیهوشد آبت، از بالا و پست

### ۴۲) مهاجرت به سوی خدا:

در تاریخ اسلامی آمده است که ابراهیم علیه السلام هاجر و اسماعیل را برد تا به محل خانه کعبه رسیدند، آنها را آنجا نهاد و چون خواست برگردد، هاجر به دنبال وی آمد و گفت: «ما را به چه کسی می سپاری؟» ابراهیم خاموش بود، هاجر پرسید: «این فرمان خداست؟» ابراهیم علیه السلام فرمود «آری». هاجر اظهار داشت: «پس خدا ما را و انخواهد گذاشت».

«ابراهیم از هاجر و اسماعیل خداحافظی کرد و به سوی قدس روانه شد و چون به گذرگاه کعبه رسید رو به سوی دره کرد و گفت: «خدا یا من ذریه خویش را به دره ای بی کشت و زرع در کنار بیت الحرام تو نهادم، پروردگارا! باشد که نماز پیادارند».

هاجر ظرف آبی که داشت؛ تمام شد و از شدت تشنگی، شیرش خشکید و کودکش تشنه ماند. فکر کرد که به بالای کوه صفا که نزدیکش بود برود و از بالا به اطراف بنگرد؛ شاید آبی بیابد و یا کسی را ببیند. از کوه صفا بالا رفت؛ گوش داد مگر صدایی بشنود یا موتسی بیابد، چیزی نیافت. فرود آمد و چون به دره رسید، شروع به دویدن کرد. اما تشنگی و خستگی او را از سرعت باز می داشت و ناچار هروله کنان (با حرکتی میان رفتن و دویدن) به سوی کوه مروه شتافت، از مروه نیز بالا رفت. در آنجا نیز نه صدایی شنید و نه کسی را یافت. این



ش تفسیر فحرر  
۶ شرح ۱۶/ص ۱۹۳.



تاریخ سیاسی و اجتماعی  
 هجرت ابراهیم از بابل تا مکه

رفت و آمد هفت بار تکرار شد. (۷)

در دور ششم بر فراز کوه صفا ایستاد و خدا را بخواند و برای اسماعیل کمک خواست و در دور هفتم بر فراز کوه مروه نیز دعا کرد، در این هنگام از جایی که اسماعیل را رها کرده بود، زمزمه ای شنید. به سرعت به سوی اسماعیل روان شد. ناگهان چشمش به چشمه ای افتاد که در کنار فرزندش جوشیدن گرفته بود و اسماعیل دست خود را در آن برده و آب می نوشد.

هاجر، جلوی آب را بست و ظرف خود را پراز آب کرد و به خاطر صدا و زمزمه ی دلپذیری که آن آب جوشنده از زمین داشت، آن چشمه زمزم نامیده شد.

فرشته ای به او گفت: «بر مردم این دیار از تشنگی بیم مدار که این چشمه برای نوشیدن مهمانان خداست.» و نیز گفت: زود باش که پدر اسماعیل بیاید و خانه ی خدا را تجدید بنا کند و محل خانه را به وی نشان داد. (۸)

«و اذ یرفع ابراهیم القواعد من الیبت و اسماعیل...» (۹)

❁ خانواده ی ابراهیم و قبیله جرهم:

«و اذ جعلنا الیبت مناباً للناس و أمناً...» (۱۰)

هو به یاد آر آنگاه که خانه کعبه را محل مراجعه مردم و پناهگاهی امن برای آنان قرار دادیم...

گفته می شود قبیله جرهم که در نزدیکی مکه زندگی می کردند، از دور مرغان و پرندگان را دیدند که در وادی مکه فرود می آیند. با خود گفتند باید در آن سرزمین آب باشد. از این رو پیش هاجر آمدند و از او اجازه خواستند که در نزدیک آب زمزم سکونت گزینند و هاجر به آنها اجازه اقامت داد. و با خانواده هانی آنها مأنوس شد و از تنهایی رهایی یافت و اسماعیل با آنان بزرگ شد و زبان عربی را از آنان فرا گرفت و چون به سن جوانی رسید، هاجر دختری از آنان را به ازدواج او در آورد. (۱۱)



- ۷. تاریخ طبرستان - ری / از ۱۸ ج ۱۸
- ۸. همان - ص ۱۴۴ و ۱۴۵.
- ۹. بقره / ۱۲۷.
- ۱۰. بقره / ۱۲۵.
- ۱۱. قصص الانبیاء / عبد الوهاب النجار / ص ۱۰۵.

### ۳۶) مأموریت برای تجدید بنای خانه ی خدا:

«وإذ بوأنا لإبراهيم مكان البيت...» (۱۲)

او یاد کن آنگاه که مکان خانه (کعبه) را جایگاه ابراهیم قرار دادیم... حضرت ابراهیم علیه السلام در سومین سفر خود به مکه، اسماعیل را در کنار زمزم دید، او را در آغوش گرفت و مورد مهر و محبت قرار داد و آنگاه به او گفت که، خداوند به وی فرمان داده که در اینجا پیرامون آن بلندی خانه ای بسازد. آنگاه پدر و پسر بپا خاستند و شروع به پایه گذاری خانه خدا کردند. اسماعیل سنگ ها را از گوشه و کنار می آورد و ابراهیم آنها را کار می گذارد. سپس اسماعیل به ابراهیم فرمود: «سنگ خوبی بیاور که در پای بنا بگذارم تا برای مردم نشانه ای باشد». جبرئیل ابراهیم را از حجرالأسود آگاه ساخت و او آن سنگ را که از آسمان فرود آمده بود به عنوان سمبل دست خدا بر گرفت و در جای خود گذاشت. هنگامی که مقداری از آن ساختمان بالا رفت، ابراهیم سنگی را زیر پا گذاشت و هنگامی که خسته می شد، به روی آن می نشست، که همان مقام ابراهیم است، (۱۳) و حجاج در کنار آن دو رکعت نماز بجای می آورند:

«واتخذوا من مقام إبراهيم مصلي...» (۱۴)

### ۳۷) حجرالاسود:

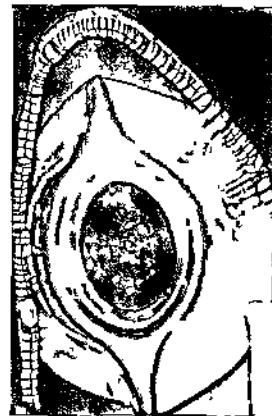
«حجرالاسود من الله في ارضه.»

«حجرالاسود به منزله دست خدا در زمین است.» (۱۵)

در گوشه ی کعبه، سنگ سیاهی است به نام حجرالاسود. بنا به روایات اسلامی این سنگ از آسمان فرود آمده و نشانه ای از دست خدا در زمین است، از این رو پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: «حجرالاسود را استلام کنید که به منزله ی دست خدا در خلق اوست و خداوند با آن، بندگانش را مصافحه می کند، مانند مصافحه بنده با دوست خود و این سنگ وفاداری کسی را که به آن دست می کشد، گواهی می کند.» (۱۶)

### ۳۸) در خواست مناسب حج برای توبه و بازگشت:

«ربنا وجعلنا مسلمين لك ومن ذریتنا امه مسلمه لك وانا مناسكنا وتب علينا» (۱۷)



۱۲. حج/ ۲۶.

۱۳. تاریخ ابن اثیر/ ج ۲/ ص ۲۷.

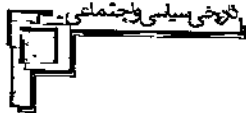
۱۴. بقره/ ۱۲۵.

۱۵. حدیث نبوی/ مفردات

قرآن/ ص ۵۵۴.

۱۶. جامع الشکات ابراهیم/ ج ۳/ ص ۳۱۴.

۱۷. بقره/ ۱۲۸.

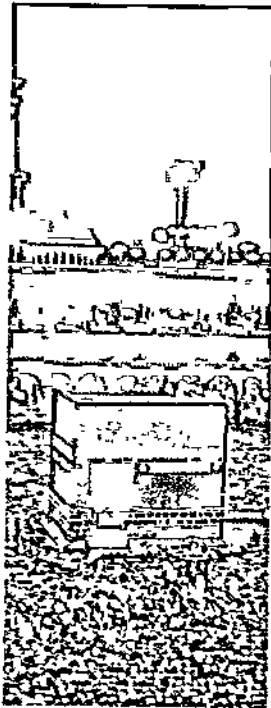


حضرت ابراهیم علیه السلام و اسماعیل علیه السلام پس از اتمام بنای کعبه به دور آن طواف می کردند و از خدا خواستند که آنها و فرزندانشان را مسلمان واقعی گرداند و مناسک و راه و رسم حج و سایر عبادات را به آنان نشان دهد و توبه و بازگشت آنها را بپذیرد.

بنا به روایتی، جبرئیل حضرت ابراهیم علیه السلام را به صحرائ عرفات برد، جایی که آدم علیه السلام را از ظهر تا غروب روز نهم ذیحجه برای توبه و بازگشت به خدا به آنجا برده بود. وقتی که آفتاب غروب کرد همراه جبرئیل روانه مشعر شد و شب را در آنجا گذراند و صیگاهان با طلوع خورشید روانه مناسک و در تمام این مراحل، حضرت ابراهیم علیه السلام می گفت: عرفت، عرفت (شناختم، شناختم). (۱۸)

این مراسم که به فرمان قرآن کریم: «فَاذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ...» (۱۹) به عنوان وقوف در صحرائ عرفات و مشعر همه ساله برگزار می شود و از مهمترین ارکان حج است و یاد آور توجه حضرت ابراهیم علیه السلام از غروب ماه و ستاره به خدای پدید آورنده ی آسمان ها و زمین است. در قدیم بسیاری از مردم، ماه و خورشید و ستارگان رانه تنها راهنمای خود در مسافرت ها می دانستند و به عنوان تقویم آسمانی از آنها استفاده می کردند، و آنها را در رشد و پرورش نباتات و حیوانات و انسان مؤثر می دانستند بلکه در تربیت و هدایت تشریحی نیز از آنها سرمشق می گرفتند. مثلاً: نظافت و طهارت را از شفاقت و پاکی آنها، و کمک به زیر دستان و زکات را از پرتو افشانی خورشید و ماه به کلبه ی نیازمندان، و حرکات طواف و سعی را از حرکات وضعی و انتقالی سیارات الهام می گرفتند. (۲۰)

از سوی دیگر، بسیاری از امور را با علم نجوم پیش بینی می کردند و شاید حضرت ابراهیم علیه السلام با توجه به جنبه های تربیتی و هدایتی اجرام آسمانی در برابر ستاره و ماه و خورشید اظهار داشته است، هَذَا رَبِّي «این تربیت کننده ی من است». (۲۱) اما عملاً به آنان نشان می دهد که این هدایت ها محدود و ناقص و غیر ثابت می باشد و انسان را تربیت و هدایت کامل و دائمی خداوند بی نیاز نمی گرداند.



۱۸. تفسیر البرهان زرکشی، ج ۱ ص ۶۸  
 ۱۹. بقره / ۱۹۸.  
 ۲۰. کتاب خن بن قیطان.  
 ۲۱. انعام / ۷۸ تا ۷۶.

﴿۲۲﴾ املاء ابراهیم علیه السلام به مکت ها:

«قل صدق الله فاتبعوا مله ابراهيم حنيفا...» (۲۲)

«بگو راست گفت: خدای پس پیروی کنید از آیین (املاء شده) ابراهیم علیه السلام کلمه ی مکت از املت کتاب به معنای املاست. در سابق وقتی می خواستند برای جمع کثیری سخنرانی کنند، از چهار طرف هر صد قدم فردی را می گذاشتند تا کلمات سخنران را به سایرین املاء کند؛ و بدین وسیله پیام سخنران به گوش جمعیت میلیونی می رسید، قرآن می فرماید: از مکت یعنی آیین املاء شده ی ابراهیم پیروی کنید.

پس از اینکه حضرت ابراهیم علیه السلام با کمک فرزندش اسماعیل، خانه خدا را بر پا داشت، ندا آمد که میان مردم اعلام حج کن (۲۳) «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ» ابراهیم پرسید: «پروردگارا چه بگویم؟» ندا آمد که بگو: «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ...» (۲۴)

لَيْك، اللهم لَيْك و این نخستین لیک بود که گفته شد.

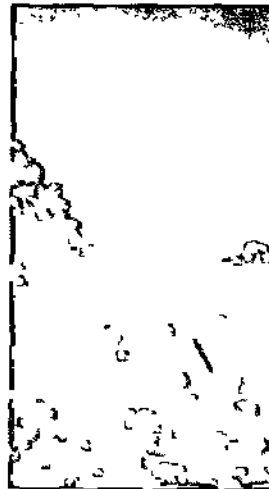
گفته می شود که چون وقت حج فرا رسید، حضرت ابراهیم علیه السلام رو سوی یمن کرد و مردم را به سوی خدا و حج خانه ی وی دعوت کرد و پاسخ شنید: لَيْك، اللهم لَيْك آنگاه رو سوی مشرق کرد و به سوی خدا و حج خانه ی خدا دعوت کرد و پاسخ شنید: لَيْك، اللهم لَيْك آنگاه رو سوی مغرب کرد و به سوی خدا و حج خانه دعوت کرد و جواب شنید لَيْك، اللهم لَيْك و آنگاه رو به سوی شام کرد و به سوی خدا و حج خانه ی وی دعوت کرد و جواب شنید:

لَيْك، اللهم لَيْك (۲۵)

﴿۲۶﴾ طواف:

«وَلِيَطُوفُوا بِالْبَيْتِ الْعَمِيقِ» (۲۶)

یکی از مناسک مهم و اساسی حج که توسط حضرت ابراهیم علیه السلام ارائه شد، طواف به دور خانه خدا بود. طواف؛ یعنی: دور چیزی گردیدن و بر گرد چیزی چرخیدن و علامت کمال علاقه



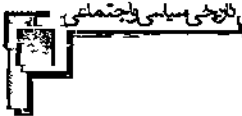
۲۲. آل عمران/۹۵.

۲۳. علل الشرایع صدوق / ص ۴۱۶.

۲۴. حج/۲۸.

۲۵. تاریخ طبری / ج ۱ / ص ۱۹۱.

۲۶. حج/۲۹.



و محبت است. یعنی که شخص خود را فدای محبوب می کند و بلا گردان او می شود؛ همچنان که پروانه آن قدر بر گرد شمع می گردد تا خود را با بال و پر سوخته به پای شمع می افکند.  
فانه کعبه، فانه ی دلهاست

سامت قدس و جلوه گاه قداست  
نیکبخت، آنکه همچو پروانه

در طواف است، کرد آن فانه (۲۷)  
از زمانهای کهن، میان مذاهب ایرانیان، هندی ها و بودائیان و رومیان و غیره عمل طواف رواج داشت (۲۸). عملی شبیه به گردش سیارات هفت گانه پیرامون خورشید که ستاره پرستان در زمین پیرامون هیاکل و معابد شمس انجام می دادند، حضرت ابراهیم علیه السلام به فرمان خدا این مراسم را از حالت شرک و خورشید پرستی تطهیر و پاک گرداند و آن را عملی قرار داد شبیه به طواف فرشتگان پیرامون عرش الهی:

«وترى الملائكة حافين من حول العرش...» (۲۹) «و فرشتگان را می بینی که پیرامون عرش الهی در طوافند...»

در روایت آمده که که به موازات کعبه در آسمان های بیت المعمور است و ملائکه به دور آن طواف می کنند همچنان که انسان ها پیرامون کعبه در حال طوافند. (۳۰) شاید یکی از حکمت های طواف، پرورش روح اطاعت توأم با اشتیاق، از خدا همگام با گردش و اطاعت مشتاقانه زمین و آسمان های هفت گانه از پروردگار است:

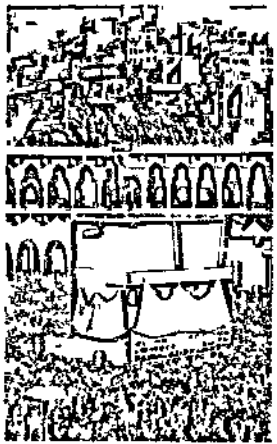
«فقال لها وللارض اثيا طوعاً أو كرها قالنا ایتنا طائعين\*»

فقضا هن سبع سماوات...» (۳۱)

«خداوند به آسمان و زمین فرمود: به سوی خدا با اشتیاق یا اکراه بشتابید، آنها گفتند: ما با کمال شوق به سوی تو می شتابیم...»  
و شاید یکی از حکمت های طواف ابراهیمی پرورش روح تسلیم همگام با تسلیم سایر موجودات زمین و آسمان در برابر خداوند باشد که قرآن می فرماید:

«أفقردين الله يبغون وله اسلم من في السموات والارض طوعاً

و كرهاً واليه ترجعون» (۳۲)



۲۷. حج برنامه تکامل / ص ۲۱۱.  
۲۸. دائرة المعارف الاسلامیه / ج ۷ / ص ۲۱۱  
۲۹. زمر / ۷۵.  
۳۰. الحججه البيضاء فیض کاشانی / ج ۲ / ص ۲۰۲.  
۳۱. فصلت / ۱۱ و ۱۲.  
۳۲. آل عمران / ۸۲.